



طرح آمریکا برای نجات عربستان از بحران یمن؛ تکرار قطعنامه 598 ایران

آمریکا برای مدیریت و خارج ساختن متحدان خود از بحران، راهبردهای مختلفی را در پیش می‌گیرد. فرمول‌سازی قطعنامه 598 ایران، از راهبردهایی است که آمریکا از آن بهره می‌گیرد تا به جنگ‌هایی که روندشان برخلاف منافع آمریکا است، خاتمه دهند.

به گزارش آران نیوز: حملات ائتلاف استیجاری آل سعود به یمن، که قرار بود نتیجه سریع در پی داشته و با قاطعیت همراه باشد، بعد از گذشت 18 ماه، بدون هیچ دستاوردی به شکست رسیده است.

از طرفی جنگ یمن، مخاطرات و تهدیدات پیش‌بینی نشده‌ای را پیش روی رژیم آل سعود قرار داده است. فروپاشی عملی ائتلاف استیجاری و تصادم اهداف متفاوت و متعارض امارات و آل سعود به عنوان بازیگران اصلی ائتلاف، اصابت موشک‌های انصارالله به 3 استان جنوبی و محیط امنیتی عربستان، شکل‌گیری خلأ امنیتی در جنوب عربستان و تسهیل تحرک انقلابی شیعیان ساکن در این مناطق، زیان شدید اقتصادی و تجلی آن در بحران و ریاضت اقتصادی و در نتیجه پیامدهای کوتاه مدت و بلندمدت اجتماعی و سیاسی این بحران بر امنیت خاندان آل سعود، شکست در تثبیت رئیس‌جمهور مستعفی وابسته به ریاض در ساحت سیاسی یمن، موفقیت انصارالله در دولت‌سازی و تدارک مشروعیت داخلی از طریق تشکیل شورای عالی سیاسی و دولت نجات ملی، اشراف و کنترل انصارالله بر تنگه راهبردی باب‌المنذب، تجهیز و به‌کارگیری موفق موشک‌های میان برد و دوربرد برکان، زلزله، صمود از سوی انصارالله و... تنها بخشی از علائم و مشخصه‌هایی هستند که شکست ائتلاف و مخاطرات پیش روی آل سعود را به نمایش می‌گذارند.

شکست آل سعود در پیش بردن جنگ نیابتی علیه نیروی مقاومت اسلامی یمن، موجب شده تا آمریکا و دولت‌های غربی، به عنوان بازیگران فرامنطقه‌ای و حامیان نظامی و سیاسی عربستان، مستقیماً به بحران یمن ورود کنند تا مقداری از حجم مخاطرات و تهدیداتی که آل سعود با آن‌ها مواجه شده است را کاهش دهند.

آمریکا معمولاً برای مدیریت و خارج ساختن متحدان خود از بحران، راهبردهای مختلفی را در پیش می‌گیرد. فرمول‌سازی قطعنامه 598 ایران، یکی از راهبردهایی است که آمریکایی‌ها از آن بهره می‌گیرند تا به جنگ‌هایی که روند آن‌ها برخلاف منافع آمریکا است، خاتمه دهند.

این مدل علاوه بر جنگ ایران و عراق، در جنگ 33 روزه لبنان در سال 1385 (2006) نیز به کار گرفته شد. به نظر می‌رسد، آمریکا درصدد است با همکاری شورای امنیت یا متحدان غربی، مدل قطعنامه 598 را، این بار برای مقابله با انصارالله و بحران یمن فرمول‌سازی کند. این مدل مضاف بر تحریم‌های شدید اقتصادی، از یک یا مجموعه‌ای از «جنایت‌های بزرگ» تشکیل شده که به دنبال تغییر محاسبات نخبگان و تصمیم‌گیران جنبش انصارالله است. مقایسه و تطبیق آنچه به قطعنامه 598 منتهی شد و آنچه در یمن انجام می‌شود تا انصارالله به سمت مدل 598 هدایت شود، هدف یادداشت پیش رو است.

1- جنگ تحمیلی صدام علیه ایران و دلایل اجرای «جنایت‌های بزرگ»

در روز 31 شهریور 1359، ارتش عراق با هجوم به مرزهای غربی و جنوب غربی و حمله هوایی به چند فرودگاه، جنگ تحمیلی 8 ساله علیه ایران را علنی کرد. جنگ در شرایطی به ایران تحمیل شد که تنها 19 ماه از پیروزی انقلاب اسلامی می‌گذشت.

صدام حسین، رئیس‌جمهوری وقت عراق چند روز پیش از تجاوز، پیمان 1975 الجزایر را در مقابل دوربین‌های تلویزیونی پاره کرده و در نطقی با تأکید بر مالکیت مطلق کشورش بر اروندرود و طرح این ادعا که جزایر سه‌گانه ایران به اعراب تعلق دارند، جنگی زمینی، هوایی و دریایی، علیه ایران را آغاز کرد. این جنگ در حالی شروع شد که انقلاب اسلامی تازه پیروز شده بود و تلاش برای بازسازی پس از انقلاب یکی از دغدغه‌های مردم بود.

درگیر بودن ایران در مسائل داخلی، مواجهه نیروهای انقلابی با ضد انقلاب در شهرهای مختلف، خیانت و منش ضد انقلابی رئیس‌جمهور وقت و فروپاشی ساختار نظامی ایران در ماجرای انقلاب، پیشروی نیروهای عراق را سهولت بیشتری بخشید. این موضوع باعث شد حدود 30 هزار کیلومتر از خاک کشور، به اشغال نیروهای متجاوز درآید.

سازماندهی نیروهای مردمی در قالب بسیج و سرازیر شدن آن‌ها به جبهه‌های نبرد به فرمان امام خمینی (ره) و پایان یافتن غائله منافقین و تجزیه‌طلبان، اهتمام و توجه ایران به جبهه‌های جنگ را بیشتر کرد.

ماشین جنگی رژیم بعث در اوایل سال 1360 متوقف شده و به واسطه مقاومت ایمانی نیروهای انقلابی، ارتش عراق با آن حجم از تجهیزات و امکانات زمین‌گیر شد. بازپس‌گیری خرمشهر در 3 خرداد 1361 وضعیت و روند جنگ را به سود ایران تغییر داده و معکوس کرد.

عراق در آغاز جنگ 13600 کیلومترمربع از خاک ایران را به اشغال خود درآورده بود که ایران توانست با انجام 3 عملیات موفقیت آمیز ثامن الائمه، طریق القدس و بیت المقدس 8600 کیلومتر از این اراضی را آزاد کند.

با تغییر شرایط جنگ، ایران در برخی عملیات‌ها از رویکرد پدافندی به آفندی تغییر وضعیت داده و برای تنبیه صدام و کسب ضمانت‌های لازم برای سناریوهای احتمالی، در خاک عراق پیشروی‌هایی انجام داد. عملیات والفجر 8 که به تصرف منطقه فاو منجر شد، یکی از این عملیات‌های مهم و راهبردی می‌باشد.

تسلط ایران بر منطقه فاو، ضمن به نمایش گذاشتن اقتدار و توانایی نیروهای ایران، در تخریب و تضعیف روحیه دولت‌های متخاصم، مؤثر واقع شد. از سویی تصرف شبه‌جزیره فاو، ارتباط عراق با خلیج فارس را به‌طور کامل قطع کرد. عملیات کربلای 5 در خاک عراق، یکی دیگر از عملیات‌های موفقیت‌آمیز ایران بود که از یک طرف، دست برتر نیروی انقلابی ایران در جنگ را به نمایش گذاشت و از طرفی، حامیان و پشتیبانان سیاسی، نظامی و تبلیغی صدام را به هراس انداخت.

در زمستان 65، رزمندگان ایران توانستند عملیات کربلای 5 را سازماندهی کنند. عملیات کربلای 5 و متعاقب آن حضور در شلمچه، نیروهای ایرانی را به پشت دروازه‌های شهر راهبردی بصره رساند. احتمال سقوط بصره و تسلیم کامل صدام و همچنین تغییر موازنه نظامی در سطح منطقه به نفع ایران، آمریکا و کشورهای هم‌سوی منطقه‌ای و فرمانطقه‌ای را برای پایان دادن به جنگ مصمم کرد.

مدتی پس از آزادسازی خرمشهر، تحلیلگران سازمان سیا به این نتیجه رسیدند که ادامه همین روند به شکست عراق مقابل ایران منتهی خواهد شد. لذا در راستای مهار گفتمان پیش‌برنده و ظرفیت انقلابی ایران، ضمن حمایت عرب‌تر از صدام، به صورت مستقیم وارد جنگ با ایران شدند. جلوگیری از شکل‌گیری موازنه قدرت به نفع ایران در منطقه و مستهلک کردن توان انقلابی ایران، تنها هدفی بود که آمریکا و متحدان منطقه‌ای و بین‌المللی آن دنبال می‌کردند.

«رونالد ریگان» رئیس‌جمهور وقت آمریکا، بعدها به این موضوع اشاره کرده و گفت: «ما نمی‌توانستیم اجازه دهیم عراق بازنده این جنگ باشد و باید به هر شکل ممکن جلوی شکست عراق را می‌گرفتیم.» (1)

2- «جنایت‌های بزرگ» و تحمیل قطعنامه 598

آمریکا برای تسلیم ایران، سلسله «جنایت‌های بزرگی» را برنامه‌ریزی کرد. براساس تقسیم کار، برخی از این «جنایت‌های بزرگ» را خود و برخی را صدام اجرایی نمود. این «جنایت‌های بزرگ» با هدف تحمیل هزینه‌های بیشتر بر ایران انجام می‌شد.

اما هدف نهایی و اصلی این جنایت‌ها، جریحه‌دار کردن افکار عمومی داخل و خارج و هدایت آن‌ها به سمت تقبیح اصل جنگ، فارغ از حق یا باطل بودن طرفین بود تا از رهگذر فشار افکار عمومی، نخبگان را به تغییر و تجدیدنظر در محاسبات مربوط به مقوله جنگ و مقاومت وادار کنند. در ادامه به برخی از این «جنایت‌های بزرگ» اشاره می‌شود.

1-2- حمله به نفت‌کش‌ها و کشتی‌ها، به ویژه کشتی‌های غیرنظامی

حمله به نفت‌کش‌ها و کشتی‌های عمدتاً غیرنظامی، یکی از جنایت‌هایی بود که پس از آزادسازی خرمشهر، به دستورالعمل عراق و آمریکا تبدیل شد. هدف از حمله به کشتی‌های تجاری و نظامی، ممانعت از صادرات نفت ایران بود. در جنگ نفت‌کش‌ها آمریکا نیز برای ضربه زدن به ایران و کمک به پیروزی عراق، عملیاتی را سازماندهی کرد. جنگ نفت‌کش‌ها در سال 1363 شدت بیشتری به خود گرفت. به طوری که عراق با اجاره 5 فروند هواپیمای فرانسوی، توان و برد حملات خود را افزایش داد. از سویی آمریکا نیز مستقیماً وارد جنگ نفت‌کش‌ها شده و کشتی‌های ایران را مورد حمله قرار داد.

2-2- تحریم‌های اقتصادی علیه انقلاب

اولین تحریم اقتصادی آمریکا علیه انقلاب اسلامی، در سال 1358 و در واکنش به تسخیر لانه جاسوسی از سوی دانشجویان پیرو خط امام (ره) اعمال شد. این تحریم قرارداد فروش صدها میلیون دلار تجهیزات نظامی، که در زمان پهلوی، به امضا رسیده بود را لغو و فروش تجهیزات نظامی به ایران را، غیرقانونی دانست، مصادره 12 میلیون دلار دارایی‌های ایران در آمریکا و ممنوعیت مبادله تجاری بین ایران و آمریکا، در همین راستا صورت پذیرفت.

مرحله دوم تحریم آمریکا علیه ایران، در طول جنگ اجرایی شد. در طول جنگ، ورود کالاها و فرآورده‌های آمریکایی به ایران ممنوع گشت. این تحریم دامنه وسیعی از محدودیت‌ها و ممنوعیت‌های نظامی، اقتصادی را پیش روی ایران قرار داد. در طول جنگ تحمیلی و پس از افزایش مزیت‌ها و برتری‌های میدانی ایران، ریگان حرکت بین‌المللی گسترده‌ای را برای جلوگیری از فروش تجهیزات نظامی به ایران سامان داد تا از پیروزی ایران در جنگ ممانعت به عمل آورد. (2)

2-3- جنایت و حمله شیمیایی به سردشت

یکی از «جنایت‌های بزرگی» که به وسیله صدام و با چراغ سبز آمریکا انجام شد. بمباران شیمیایی سردشت از توابع استان آذربایجان غربی بود، که در تاریخ 7 تیر 1366 به وقوع پیوست. در این عملیات جنون‌آمیز، نیروی هوایی عراق در 4 منطقه‌ی پر ازدحام و متراکم شهر سردشت، از گاز شیمیایی خردل استفاده کرد.

با این جنایت، سردشت فجیع‌ترین تهاجم شیمیایی تاریخ را تجربه کرده و اولین قربانی جنگ‌افزارهای شیمیایی در ابعاد گسترده، پس از بمباران هسته‌ای هیروشیما، لقب گرفت. این جنایت بیش از 8 هزار شهید، مسموم و مجروح بر ایران تحمیل کرد. مجامع جهانی به دلیل نفوذ پشتیبانان صدام، قادر به انجام اقدام قابل‌توجهی نشدند. شورای امنیت در واکنش به جنایت جنگی صدام، در سال 1365 مصوبه‌ای را علیه صدام تصویب کرد که با وتوی آمریکا بی‌اثر شد.

3- هدف قرار دادن هواپیمای مسافربری ایران بر فراز آب‌های خلیج فارس

از «جنایت‌های بزرگ» دیگری که با هدف مقابله با توان انقلابی و نیز به منظور به سازش کشاندن ایران، انجام شد، هدف قرار دادن هواپیمای مسافربری ایران، بر فراز آب‌های خلیج فارس بود. رونالد ریگان در 31 شهریور 1366 در سخنرانی خود در مجمع عمومی سازمان ملل، رسماً ایران را تهدید کرد که اگر قطعنامه 598 را نپذیرد، با اقدام عملی (جنایت بزرگ) آمریکا مواجه خواهد شد. (3) اندکی بعد، آمریکا به عنوان متحد عراق وارد جنگ با ایران شد.

در 30 فروردین 1367 این کشور به نفت‌کش‌ها و سکوه‌های نفتی غیرنظامی ایران، در خلیج فارس حمله کرده و در 12 تیر 67

«جنایت بزرگ» را مرتکب شده و ادامه‌ی جنگ را، برای ایران دشوار ساخت. در 12 تیر 67، هواپیمای مسافربری شماره‌ی 655 شرکت هواپیمایی «ایران ایر» از تهران به مقصد دوی در حال حرکت بود که با شلیک موشک هدایت‌شونده از ناو متعلق به نیروی دریایی آمریکا، سرنگون شد.

بر اثر این جنایت، تمامی 290 سرنشین هواپیما به درجه رفیع شهادت نائل شدند. این جنایت از نظر میزان تلفات انسانی، هشتمین جنایت مرگبار هوایی تاریخ نام گرفت. بعد از این ماجرا، ایران ناگزیر قطعنامه 598 را پذیرفت. کمک اطلاعاتی به رژیم بعث و لو رفتن عملیات کربلای 4 با آن حجم از تلفات در ادامه همین جنایت‌ها قابل تبیین است.

بنابراین، مجموعه این «جنایت‌های بزرگ»، ضمن جریحه‌دار کردن افکار عمومی داخل و خارج، مطالبه‌ی پایان دادن به جنگ را مطرح کرد. از سویی، این موضوع به دودستگی و دوقطبی شدن نخبگان دامن زده و آن را تشدید کرد.

به طوری که برخی از نخبگان نامؤمن به مقاومت که در ارتباط پنهان و آشکار با شبکه‌ی نفوذ داخلی آمریکا بودند؛ به نام عقلانیت، با هدایت افکار عمومی و به بهانه‌ی هزینه‌دار شدن بیش از پیش جنگ، در پازل طراحی شده‌ی آمریکا قرار گرفته و جام زهر را به امام راحل عظیم‌الشأن نوشاندند.

4- دست برتر انصارالله و «جنایت‌های بزرگ» برای نجات عربستان

در ماجرای جنگ تحمیلی صدام علیه ایران، صدام با محاسبات غلط به ایران تجاوز کرد. تصور صدام بر این بود که ایران به دلیل فروپاشی ساختارهای پیشین، در نخستین هفته‌های جنگ، تسلیم خواهد شد، اما مقاومت ایران، محاسبات عراق را به شکست کشاند. این موضوع در مورد تجاوز آل سعود به یمن نیز صادق است. عربستان با این نگاه که یمن به دلیل ضعف ساختارهای نظامی، مقابل ائتلاف تسلیم خواهد شد، به یمن حمله کرد.

اما مردم یمن نه تنها دفاع جانانه انجام دادند، بلکه تهدیدات فراوانی بر این رژیم تحمیل کردند. شکست متحد و هم‌پیمان آمریکا در هر دو نمونه، باعث ورود این دولت به بحران، برای نجات هم‌پیمان خود شده است. همان‌طور که آمریکا با قطعنامه 598، رژیم بعث را از باتلاق ایران خارج ساخت، بعد از گذشت دو دهه، مجدداً آمریکا تلاش می‌کند با فرمول‌سازی و الگوگیری از قطعنامه 598، این بار، رژیم آل سعود را از باتلاق یمن خارج سازد. با بررسی «جنایت‌های بزرگ»، محور اشغال و سازش در یمن، به‌وضوح این فرمول‌سازی، مشخص و عریان خواهد شد.

4-1 تحریم‌های اقتصادی، محاصره‌ی یمن و تخریب زیرساخت‌ها

اولین تحریم اقتصادی علیه ایران، پس از یک حرکت انقلابی و بعد از تسخیر لانه جاسوسی وضع شد. منطق اولین تحریم اعمالی علیه ایران، کاملاً روشن و مشخص است. هر دولت، نهاد یا گروهی، منافع، سیاست خارجی، اقتصادی و نظم مطلوب آمریکا را تهدید کرده و به چالش بکشد، مستوجب و مستحق تحریم خواهد بود. همین منطق در مورد تحریم انصارالله به کار گرفته شد. انصارالله در موج دوم انقلاب با سازماندهی سایر نیروهای انقلابی، رهبری اعتراضات را بر عهده گرفته و با شعار «الثورة المستمرة» به طرح مطالبات اصلی و حقیقی مردم یمن پرداخت. (4) از نظر آمریکا، نفی «ابتکار خلیجی» و اتخاذ سیاست و طرحی مستقل، آغاز حرکت انصارالله و سرنوشت یمن، در مسیری مغایر و متعارض با منافع آمریکا است. لذا انصارالله که منشأ و موتور محرکه‌ی این حرکت بوده، مستحق تحریم است.

تحریم ابتدایی در قطعنامه 2241 شورای امنیت و هم‌زمان با حرکت انصارالله به سمت صنعا و محاصره‌ی پایتخت، اجرایی شد. یکی از بندهای این قطعنامه، رهبران و شخصیت‌های وابسته به انصارالله را تحریم مالی و نظامی می‌کند. (5) تحریم بانک مرکزی صنعا و ممانعت از مرادوات و معاملات مالی و بانکی از سوی نهادها و بانک‌های مختلف غربی-عربی، در ادامه همین رویکرد تحریم صورت پذیرفته است. عربستان سعودی برای تشدید فشار علیه دولت صنعا، دستور ایجاد بانک مرکزی موازی در عدن را صادر کرده است.

محاصره‌ی اقتصادی نیز در ادامه همین محدودیت‌سازی، جنبه عملیاتی به خود گرفته است. آمریکا و عربستان، یمن را محاصره دریایی، هوایی و زمینی کرده و از ارسال هرگونه کمک‌های بشردوستانه جلوگیری می‌کنند. گره زدن مقاومت به دارو و سوخت و شرطی کردن انصارالله، در همین راستا در جریان است. مسئولان دولت صنعا، بارها اعتراض خود را نسبت به محاصره‌ی اقتصادی و ناعادلانه بودن تحریم‌ها، اعلام کرده‌اند.

تخریب زیرساخت‌های یمن نیز با جنایت‌های آمریکا و عراق علیه ایران، مشابهت و هم‌خوانی دارد. عراق بعد از تغییر رویه‌ی جنگ به نفع ایران، جنگ شهرها را به راه انداخت، تا از طریق هدف قرار دادن مردم بی‌گناه، فشار افکار عمومی برای پایان دادن به جنگ را تشدید کند.

از طرفی، عراق زیرساخت‌های اقتصادی ایران را نشانه گرفت تا پشتوانه مالی ایران را زمین‌گیر کند. عربستان نیز همین رویکرد را در پیش گرفته است. در رابطه با تخریب زیرساخت‌های یمن، دیده‌بان حقوق بشر در تیرماه 95، گزارشی را رسانه‌ای کرد.

براساس این گزارش که با عنوان «بمباران تجارتخانه‌ها و مراکز اقتصادی» منتشر شده، آمده است: «ائتلاف سعودی 17 حمله هوایی غیرقانونی علیه 13 مرکز اقتصادی غیرنظامی یمن انجام داده که بیش از 130 کشته و 170 زخمی برجا گذاشته است.» (6) همه این اقدامات به منظور تسلیم کردن انصارالله و هدایت ایشان برای تن دادن به سازش صورت می‌پذیرد.

4-2- بمباران مراسم ختم در صنعا

از دیگر «جنایت‌های بزرگی» که برای فشار به انصارالله صورت پذیرفت، بمباران سالن برگزاری مراسم ختم، در صنعا بود. در این حمله، دو جنگنده‌ی آل سعود در سه نوبت، مراسم ختم وزیر کشور یمن را، تعدماً بمباران کردند. این جنایت بیش از 700 کشته

و زخمی برجای گذاشت.

در میان جانباختگان این جنایت، مقامات بلندپایه‌ی یمنی حضور داشتند. اگر بخواهیم این جنایت را با «جنایت‌های بزرگ» دیگر که به منظور تسلیم مقاومت صورت پذیرفته، مقایسه کنیم، بمباران شهرک «قانا» یا بمباران شیمیایی مردم سردشت، بارزترین و مشابه‌ترین نمونه‌ها به جنایت صنعا است. رژیم صهیونیستی در اثنای جنگ 33 روزه و پس از تغییر موازنه جنگ به نفع حزب‌الله و نیروهای مقاومت، دست به «جنایت بزرگی» زد.

رژیم صهیونیستی، ساختمان‌های مسکونی شهرک قانا را مورد حمله‌ی موشک‌های خود قرار داد، که بیش از 60 شهروند غیرنظامی جان خود را از دست دادند. هدف قراردادن مناطق مسکونی و گرفتن تلفات از غیرنظامیان، به منظور جریحه‌دار کردن افکار عمومی و تغییر نگاه و محاسبات نخبگان به موضوع مقاومت، صورت پذیرفت.

در بمباران صنعا نیز رژیم آل سعود همین هدف را دنبال می‌کرد، اما انصارالله ضمن پی بردن به اغراض آل سعود، واکنش تندی به جنایت عمدی جنگنده‌های متجاوز نشان داد. به طوری که «محمد عبدالسلام» سخنگوی انصارالله، با محکوم کردن این جنایت، اظهار داشت: «خون جز با خون پاسخ داده نمی‌شود.» (7)

3-4- حمله آمریکا به سایت‌های راداری یمن

آمریکا در جنگ تحمیلی صدام علیه ایران، مستقیماً وارد جنگ با ایران شد. بهانه‌های آمریکا برای هدف قرار دادن کشتی‌های ایران، ناامن شدن خلیج فارس و آبراهه‌های انتقال انرژی، به دلیل تداوم جنگ بود. اما در واقع آمریکا با این حملات، هدف تسلیم ایران را دنبال می‌کرد. آمریکا همان سناریو و الگو را برای انصارالله پیاده کرده است.

در همین راستا، وزارت دفاع آمریکا اعلام کرد: «به هرگونه تهدید علیه کشتی‌ها و رفت‌وآمد بازرگانی در آب‌های نزدیک یمن پاسخ خواهد داد» (8) ارتش آمریکا 3 مرکز و سایت راداری یمن را مورد هدف قرار داد. این حمله با این توجیه انجام شد که انصارالله یکی از ناوشکن‌های ارتش آمریکا را مورد هدف قرار داده است. این در حالی است که آمریکا هیچ سندی برای اثبات ادعای خود مطرح نکرده است.

این اقدام آمریکا در همان چارچوب مقدمه‌چینی برای ورود مستقیم به جنگ و تغییر محاسبات مسئولان انصارالله، قابل تحلیل است. (9) اما انصارالله برای خنثی کردن این طرح و غیر مشروع کردن تجاوز آمریکایی به یمن، هرگونه دست داشتن در حمله به ناوشکن‌های آمریکایی را رد کرده و عنوان داشت: «انصارالله آماده است با هر طرف بین‌المللی، برای تحقیق درباره جزئیات این ادعا و مجازات عاملان آن همکاری کند»

با توجه به مسائلی که بیان شد، به نظر می‌رسد، آمریکا برای نجات عربستان و تسلیم انصارالله، به دنبال فرمول‌سازی قطعنامه 598 است. این سناریو و فرمول بر دو اهرم و ابزار متکی است؛ اهرم نظامی و اهرم سیاسی. پیاده‌سازی ابزار نظامی بر عهده آمریکا و عربستان و دستور کار آن نیز تشدید حملات علیه انصارالله و مردم یمن است.

حملاتی که به دنبال تغییر نگاه و محاسبات نخبگان انصارالله است. مشابه همان وضعیتی که در آستانه‌ی قطعنامه 598، برای ایران ایجاد کردند. به طوری که برخی از مسئولان ایرانی، به این جمع‌بندی رسیدند که به واسطه افزایش هزینه‌های مقاومت، ایران از پذیرش قطعنامه ناگزیر است.

در این فرمول و سناریوی از پیش طراحی و آزمایش شده برای یمن، طرح‌ها و پیشنهادهای صلح یک‌جانبه که تنها منافع آل سعود را تأمین می‌کند، در حکم اهرم و ابزار سیاسی، برای نجات عربستان و تسلیم انصارالله است. بسته‌ها و طرح‌های صلح متعدد، اما با مفاد مشترک، که کشورهای مختلف در رسانه‌ها و شورای امنیت مطرح می‌کنند، ارکان و پیشران‌های این اهرم سیاسی هستند. از این طرح‌ها، می‌توان به طرح‌های انگلیس، اردن و «اسماعیل ولد شیخ» اشاره کرد، که تماماً درصد تکمیل یک پازل از پیش طراحی شده هستند. راهکار انصارالله در خنثی‌سازی این سناریو، مقاومت و تأکید بر طرح‌های عادلانه است. به طوری که مقتضیات و مصالح انقلابی در این طرح‌ها نادیده گرفته نشود.

جمع‌بندی

حملات ائتلاف آل سعود به یمن، بعد از 18 ماه به شکست رسیده است. علائم این شکست در حوزه‌های مختلفی قابل مشاهده است. این موضوع آل سعود را مترصد کرده برای خروج از بحران یمن، دست به دامان آمریکا شود. طرح آمریکا برای رهایی عربستان، فرمول قطعنامه 598 ایران است. در این فرمول دو اهرم ایفای نقش می‌کنند.

اهرم نظامی و اهرم سیاسی، اهرم نظامی بر استفاده از قدرت سخت متکی بوده و توأم با «جنایات بزرگ» است. جنایاتی که درصد تغییر محاسبات نخبگان انصارالله است. اوامایا در سخنرانی خود به این موضوع و حضور نظامی برای نجات هم‌پیمانان اشاره کرده و آن را توأم با هزینه دانسته است «هم‌پیمانان ما در حوزه خلیج (فارس)، توانایی کاهش و مدیریت تنش‌های خود را ندارند.

این بدان معناست که ما باید وارد ماجرا شویم و با استفاده از قدرت نظامی خود، اوضاع را حل‌وفصل کنیم. و این اقدام به نفع آمریکا نیست» (10) این جنایت‌ها را دو دولت عربستان و آمریکا اجرایی می‌کنند. بمباران مراسم ختم صنعا و مورد هدف قرار دادن مراکز راداری یمن، نمونه‌های این «جنایات بزرگ» هستند. در این میان اهرم سیاسی، در قالب طرح‌ها و بسته‌های صلح یک‌جانبه‌ی تحمیلی، قابل تحلیل است. طرح پیشنهادی انگلیس، اردن و اسماعیل ولد شیخ از نوع این بسته‌ها و طرح‌های ناعادلانه هستند که به‌طور متعدد مطرح و رسانه‌ای می‌شوند.

منابع:

- 1- «80 کشور تجهیز کننده صدام در جنگ با ایران»، منتشر شده در مرکز اسناد انقلاب اسلامی، 31 شهریور 94، بازیابی در:
<http://www.irdc.ir/fa/content/63790/print.aspx>
- 2- «ایران از چه زمانی تحریم شد»، منتشر شده در سایت تبیان، 5 آذر 92، بازیابی در:
<http://www.tebyan.net/newindex.aspx?pid=263782>
- 3- «امام خمینی و مسئله جنگ و صلح در طول هشت سال دفاع مقدس»، منتشر شده در مرکز اسناد انقلاب اسلامی، 6 مهر 91، بازیابی در:
<http://www.irdc.ir/fa/content/6016/default.aspx>
- 4- «برای مطالعه بیشتر ر.ک: محمد گلی، «جایگاه قطعنامه‌های فصل هفت شورای امنیت در پایان دادن به بحران یمن»، منتشر شده در اندیشکده راهبردی تبیین، 28 مهر 95، بازیابی در:
<http://tabyincenter.ir/index.php/menu-examples/child-items-5/1395072802>
- 5- «برای مطالعه بیشتر ر.ک: محمد گلی، «تشکیل دولت نجات ملی و آینده تحولات یمن»، منتشر شده در اندیشکده راهبردی تبیین، 3 آبان 95، بازیابی در:
<http://tabyincenter.ir/index.php/menu-examples/child-items-5/1395080301>
- 6- «آل سعود به دنبال نابودی تمام زیرساخت‌های یمن است»، منتشر شده در کیهان، 22 تیر 95، بازیابی در:
<http://kayhan.ir/fa/news/79828>
- 7- «الگو برداری عربستان از «جنایت قانا» در حمله به صنعا»، منتشر شده در «تسنیم»، 20 مهر 95، بازیابی در:
<http://www.tasnimnews.com/fa/news/1395/07/20/1210080>
- 8- «اوباما: آمریکا آماده عملیات نظامی بیشتر در یمن است»، منتشر شده در «تسنیم»، 24 مهر 95، بازیابی در:
<http://www.tasnimnews.com/fa/news/1395/07/24/1211923>
- 9- «تنگه باب المندب و دریای سرخ؛ نقطه ثقلی جدید در تحولات یمن»، منتشر شده در اندیشکده راهبردی تبیین، 25 مهر 95، بازیابی در:
<http://tabyincenter.ir/index.php/rasad/1395072507>
- 10- «دکترین اوباما»، بازیابی در:
<http://www.theatlantic.com/magazine/archive/2016/04/the-obama-doctrine/471525>

اندیشکده تبیین

0